

## زبان گیلکی راستارگویا و دیگران، انتشارات دانشگاه اوپسالا، ۲۰۱۲.

۴۴۵ صفحه!

ورا سیرگیونا راستارگویا (۲۰۰۵-۱۹۱۲) ایران‌شناس برجسته روس، پایه‌گذار و سازمان‌دهنده بخش زبان‌های ایرانی در انستیتوی زبان‌شناسی فرهنگستان علوم روسیه (شوروی سابق)، سی سال پیاپی با حفظ این سمت پژوهش‌های ارزنده متفاوتی انجام داد (عسگری، ۱۳۸۳: ۳). وی در طول چندین دهه از عمر ۹۳ ساله خود، علاوه بر پژوهش‌های تطبیقی متفاوت در زمینه زبان روسی و مطالعه بخش‌هایی از تاجیکی، دستور زبان پهلوی را نوشته و روی زبان گیلکی، مازندرانی، بلوچی، سنگسری، شهمیرزادی و ولاتری و گویش‌های مرکزی ایران کار کرده است (همان: ۴-۵).

به نظر می‌رسد کتاب حاضر، در ایران، بسیار مورد توجه بوده است، چنانکه یک بار توسط رضا مدنی ترجمه شده، که البته به چاپ نرسیده است (کریستن‌سن<sup>۲</sup> ۱۳۷۴: ۱۷). همچنین اصل کتاب یک بار در سال ۱۳۵۰ توسط محسن ابوالقاسمی در مقاله‌ای معرفی شد. وی در این مقاله علاوه بر ترجمه مقدمه کتاب، که به تاریخچه تحقیق‌های مربوط به زبان گیلکی اختصاص دارد، اجزای فصل‌های متفاوت کتاب را به اجمال مرور کرده است. از مقایسه اجزای معرفی شده در این مقاله و اصل کتاب می‌توان دریافت که ویرایش‌های لاکوود<sup>۳</sup> آن قدر اساسی و بنیادی نبوده است که ساختار اصلی کتاب تغییر کرده باشد.

گیلکی مانند زبان‌های تاتی، تالشی، مازندرانی و سمنانی جزو زبان‌های نواحی مجاور دریای خزر است (آرانسکی، ۱۳۵۸: ۳۱۷). زبان‌های ایرانی به طور کلی به دو دسته ایرانی غربی و ایرانی شرقی تقسیم می‌شوند، که ایرانی غربی خود به دو دسته شمالی و جنوبی قابل تقسیم است. گیلکی و مازندرانی در گروه ایرانی شمال غربی قرار می‌گیرند (همان: ۳۳۱). گروهی از پژوهش‌گران، گیلکی را به دو لهجه شرقی و غربی تقسیم کرده‌اند. مرکز اولی را شهر لنگرود و مرکز دومی را شهر رشت دانسته‌اند (کلباسی، ۱۳۷۶: بیست و دو). اشمیت (۱۳۸۳: ۴۹۰) با

1. Rastorgueva V. S. et al. (2012). The Gilaki Language 1. English translation editing and extended content by Ronald M. Lockwood. Uppsala University.

2. A. Christensen

3. R. M. Lockwood

ذکر این که گویش‌های گیلکی<sup>۱</sup> بین رشته کوه‌های البرز و کرانه‌های غربی دریای خزر به کار می‌روند، تصریح می‌کند که گیلکی به طور اخص گویش شهر رشت است، اما چندین گونه گویش‌های فرعی نیز وجود دارند، مانند لاهیجانی، لنگرودی، ماچیانی و گویش‌های دیگر. یکی از نکات قابل توجه این است که افراد مختلف از اصطلاح‌های متفاوت گویش یا زبان برای گیلکی استفاده کرده‌اند. آرانسکی، راستارگویا و برخی دیگر اصطلاح زبان را به کار برده‌اند. دبیرمقدم (۱۳۸۷: ۱۲۱-۱۲۰) نیز معتقد است که دو گونه زبانی، که سخنگویان آن دو فهم متقابل ندارند، زبان‌اند. مانند گیلکی، مازندرانی، وفسی، نائینی. در حالی که گویش، دو گونه زبانی است که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند اما در عین حال بین آن دو گونه، تفاوت‌های آوایی، واجی و واژگانی یا دستوری مشاهده می‌شود. اما کریستن‌سن و اشمیت و خُمامی زاده (مترجم کتاب کریستن‌سن) اصطلاح گویش را به کار برده‌اند. گاهی نیز ممکن است زبان گیلکی را به‌عنوان واژه پوششی، برای زبان کل منطقه، به کار ببرند و گویش را مختص گیلکی بدانند.

به نظر می‌رسد زبان گیلکی رشت، به دلایل متفاوت، بیشتر از شهرهای دیگر این منطقه مورد توجه پژوهش‌گران بوده است، چرا که بیشتر آثار موجود در این حوزه درباره واژگان و اصطلاحات این منطقه است و نویسندگان کتاب‌های گیلکی دلیلی برای ذکر شهر در کار خود نمی‌بینند. در حالی که گاهی در واژه‌ها و مسائل آوایی و صرفی مناطق مختلف، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. ابوالقاسمی (۱۳۵۰: ۶۷۴) می‌گوید که مطالعاتی که تاکنون درباره گیلکی انجام شده، مربوط به گیلکی رایج در رشت است و توجهی به گیلکی رایج در شهرهای دیگر مانند لاهیجان، لنگرود، که تفاوت دارند، نشده است. به‌عنوان مثال، در جدول زیر تفاوت‌های مرتبط با نشانه‌های جمع، شخص، شمار و نفی در گیلکی رشت و گیلکی لاهیجان آورده شده است<sup>۲</sup>:

---

۱. گاهی گیلکی را مختص شهرهای گیلان و روستاهای اطراف آنها و دیلمی را گویش مورد استفاده مردم کوهستان‌های این منطقه در نظر می‌گیرند (صادقی، ۱۳۷۹: ۵۵).

۲. لازم است از آقای امرالله پرهیزی‌راد (۷۲ ساله- متولد لاهیجان) که این اصطلاحات را با ذکر تفاوت در اختیار نگارنده قرار دادند تشکر کنم.

## زبان گیلکی

گیلکی رشت	گیلکی لاهیجان	معنای فارسی
زَی	زَنک	بچه
زاما	داماد	داماد
زاکان	زاکون	بچه‌ها
بوگوفتی	بوتی	گفتی
فونوکون	فون‌کون	نریز

کریستن‌سن (۱۳۷۴: ۲۸) این مسئله را به طور روشن متذکر شده و گفته است: هنگامی که بدون هیچ توضیح دیگری گیلکی گفته می‌شود، مراد از آن گیلکی رشت، مرکز استان گیلان است. ساکنان شهرهای گیلان به گونه‌های محلی گوناگونی از گیلکی سخن می‌گویند، که بیشتر آنها ظاهراً با گیلکی رشت فرق زیادی ندارند، به استثنای گونه‌ای که در لاهیجان به آن تکلم می‌شود، که هم از نظر تلفظ و هم از نظر واژگان خصوصیات متمایزتری دارد. به منظور جدایی شرق و غرب منطقه، سفید رود مرز قرار داده می‌شود. محلی‌ها برای بخش شرقی این رود، که شهرهای لاهیجان، لنگرود و غیره در آن قرار دارند، اصطلاح «بی‌یه پیش» و برای غرب آن، که رشت را هم دربرمی‌گیرد، «بی‌یه پس» را به کار می‌برند.<sup>۱</sup>

در ادامه این بحث، مروری اجمالی از بخش‌های متفاوت کتاب خواهیم داشت. کتاب حاضر شامل شش فصل (۲۱۸ صفحه) است که فصل اول مقدمه است و در پنج فصل دیگر اطلاعات آوایی، واجی، صرفی و نحوی ارائه شده است. پس از فصل ششم تعداد ۲۰ متن، در دو بخش، برای نمونه آورده شده‌اند و کتاب در انتها با کتابنامه پایان یافته است. در انتهای کتاب واژه‌نامه‌ای دیده نمی‌شود. مؤلفان دلیل آن را چاپ همزمان و جداگانه‌ی فرهنگ لغت گیلکی-روسی (با نمایه روسی-گیلکی) در بخش زبان‌های ایرانی مؤسسه زبان‌شناسی ذکر کرده‌اند (۵). در این کتاب بیشترین توجه بر ساختواژه (صرف) و نحو است. برای واج‌نویسی از یک سیستم آوانگاری ایرانی، که بر اساس لاتین است و برخی از حروف و نشانه‌های زبرزنجیری یونانی نیز در آن به کار رفته، استفاده شده است (۴).

در زیر، بخش‌های اصلی هر فصل مرور خواهد شد:

۱. از آقای افشنگ پرهیزی‌راد که امکان دسترسی به این توضیحات و برخی اصطلاحات لاهیجانی را برای نگارنده فراهم کردند سپاسگزارم.

مقدمه شش صفحه‌ای کتاب، پس از ارائه اطلاعات جغرافیایی و زبانی درباره گیلکی، به تاریخچه مطالعات انجام شده بر روی گیلکی از سال ۱۷۷۵ میلادی می‌پردازد. در مقدمه آمده است که: قبل از تألیف این کتاب، تحقیقات دیگری در این زمینه انجام شده است. مثلاً در سال ۱۷۷۵ توسط قوم‌نگار روس به نام گملین<sup>۱</sup>. همین‌طور در سال‌های ۱۸۴۲، ۱۸۵۳، ۱۸۶۱ نیز تحقیقاتی انجام شد. در سال ۱۹۳۰ نیز داده‌هایی توسط کریستن‌سن بررسی شد. و به‌عنوان آخرین پژوهش قبل از کتاب حاضر، از تحقیقی در سال ۱۹۵۳ نام برده شده است. البته راستارگویا معتقد است که متون در آن زمان هنوز محدود بوده‌اند و بیشتر بر اساس صحبت‌های تک‌نفره، و نه دونفره، گردآوری شده بودند. درباره صورت‌های اسمی و فعلی، حروف اضافه (پیش‌افزافه و پس‌افزافه) نیز تحقیقات قبلی محدود بودند. همچنین سهم پرداختن به ساختار جملات، ساختار واژه و واژگان کم بود (۴-۱) و بنابراین هنوز گستره مطالعه گیلکی ناکافی بود. تمام این مسائل، نویسندگان کتاب حاضر را بر آن داشت تا به این زبان بپردازند و سیستم دستوری و فهرست واژه‌های آن را بررسی کنند.

مسئله دیگری، که در مقدمه کتاب به آن اشاره شده، غیرمکتوب بودن زبان گیلکی است. با وجود این که در دهه‌های اخیر تلاش شد تا آثار گیلکی نویسندگان محلی (اکثراً شعر)، در روزنامه «چلنگر» (دهه ۱۹۵۰) چاپ شود، اما زبان نوشتاری خیلی گسترش پیدا نکرد. تدریس در کلاس‌ها نیز به فارسی بوده است. این مسئله و نیز وجود دوزبانگی باعث شده تا گیلکی، به‌ویژه در واژگان، و حتی در آواشناسی، از فارسی تأثیر زیادی بگیرد (۴).

فصل دوم واج‌شناسی نام دارد و در آن سیستم آوایی (انواع واکه‌ها و همخوان‌ها) مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده برای گیلکی نه واکه ( $i, \bar{i}, e, \partial, a, \bar{a}, o, u, \bar{u}$ ) در نظر گرفته است، که در نمودار واکه‌ها معرفی شده‌اند (۷). البته اشمیت (۱۳۸۳: ۵۰۱) معتقد است که شمار واکه‌ها هفت است و کاربرد دو واکه ( $\bar{i}, \bar{u}$ ) کم و محدود شده است. در بخش همخوان‌ها نیز به ۲۲ همخوان با هفت جایگاه تولید (دولبی، لبی-دندانی، پیش‌زبانی<sup>۲</sup>، میان‌زبانی و پس‌زبانی، حنجره‌ای و حلقی  $h$ ) و سه شیوه تولید ۱. انسدادی<sup>۳</sup> (با سه زیرشاخه خالص  $/p, b, t, d, k, g/$ ، انسایشی  $/tʃ, ʃ/$ ، خیشومی  $/m, n/$ )<sup>۲</sup>، سایشی (با سه زیرشاخه تک‌کانونی، که خود دو طبقه چاکنای پهن  $/f, v, y, x, \gamma, h/$  و چاکنای گرد  $/s, z/$  را در بر می‌گیرد و دو کانونی

1. S. G. Gmelin  
2. front lingual  
3. occlusive

## زبان گیلکی

/š,ž/ و کناری //l/، ۳. لرزشی <sup>۱</sup> /r/ اشاره شده است (راستارگویوا، ۲۰۱۲: ۱۴). در بخش‌های بعدی این فصل به تأثیر فارسی در واژه‌ها (۱۵) و همگونیِ پسرویِ واژه‌ها (۱۶)، فرایندهای آوایی در هنگام ترکیب تکواژها و تکیه اشاره شده است.

در فصل ۳، با عنوان واژگان<sup>۲</sup>، ابتدا در زیرعنوان «ریشهٔ ایرانی آغازین»، ذکر شده که اساس واژگان زبان گیلکی از ریشهٔ ایرانی آغازین است (۲۱). سپس در یازده زیرعنوان (شامل ضمائر، افعال اصلی، اعضای بدن، پدیده‌های طبیعی، واحدهای اصلی زمان، اندازه‌گیری، اصطلاحات خویشاوندی، جنس دستوری، رنگ، حیوانات و گیاهان) نمونه‌هایی مستدل ارائه شده‌اند. تمام نمونه‌ها حداکثر با هشت زبان و حداقل با سه زبان مقایسه شده‌اند. این زبان‌ها عبارتند از: فارسی باستان، اوستا، فارسی، تاجیکی، تاتی (تاتی داغستان و جمهوری آذربایجان)، تالشی، بلوچی، کردی. در زیر خلاصه‌ای از این زیرعنوان‌ها ارائه می‌شود:

در زیرعنوان ضمائر، بدون ارائهٔ هیچ توضیحی، تنها ضمائر اول شخص و دوم شخص مفرد و جمع در جدولی با ضمائر متناظر خود در زبان‌های فوق‌الذکر، فهرست شده‌اند (۲۱ و ۲۲). «اعداد» عنوان بعدی است. اعداد یک، دو، سه، چهار، ده و بیست ذکر شده‌اند. در بخش بعدی، عنوان «افعال اصلی» آمده است که در آن به هفت فعل (سه فعل لازم و چهار فعل متعدی)، به‌صورت مصدری اشاره شده است. افعال لازم عبارتند از رفتن/ حرکت کردن، ایستادن، خوابیدن و افعال متعدی شامل انجام دادن، خوردن، داشتن، گفتن. (۲۴ و ۲۵). در زیرعنوان «اسامی اعضای بدن»، هشت عضو (سر، پا، گوش، چشم، ابرو، دندان، زبان، زانو) آورده شده‌اند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که بر چه اساسی شش عضو از اعضای فوقانی بدن و دو عضو از اعضای تحتانی انتخاب شده‌اند؟ و چرا اعضای درونی/ داخلی در نظر گرفته نشده‌اند؟

در بخش «اسامی فرایندهای طبیعی و مواد»، می‌توان فهرست پنج‌گانهٔ زمین، آسمان، باد، ستاره و آب را مشاهده کرد (۲۷ و ۲۸). واژه‌های شب/ عصر، روز، ماه و سال نیز به بخش اسامی واحدهای اصلی زمان اندازه‌گیری اختصاص داده شده‌اند. اصطلاحات خویشاوندی شامل مادر، پدر، پسر، دختر، برادر، خواهر هستند (۲۹ و ۳۰). در بخش بعدی (تشخیص جنس دستوری)، تنها واژه‌های شوهر/ مرد و زن/ همسر زن آورده شده‌اند. دو واژهٔ سفید و قرمز به‌عنوان رنگ و واژه‌های داغ/ گرم و بل ند/ دراز برای سنجش کیفیت ذکر شده‌اند (۳۱).

3. tremulous

4. vocabulary

همچنین نام‌های سه حیوان (اسب، مرغ و روباه) و یک گیاه (درخت) و دو محصول (آرد و نان) فهرست شده‌اند.

در عنوان آخر: «مقایسه گیلکی و فارسی»، به چند ویژگی زبان گیلکی، در مقایسه با فارسی، اشاره شده است. مثلاً این که واژه‌های زیادی در گیلکی شبیه فارسی‌اند. معنای واژه‌ها در گیلکی نسبت به فارسی محدودتر است. برخی واژه‌های نادر فارسی امروز در گیلکی به کار می‌روند، مانند دیم؛ صورت. واژه‌های قدیمی و کهن فارسی در گیلکی کاربرد دارند، مانند هیمه؛ هیزم. واژه‌های محاوره‌ای مشترک در گیلکی و فارسی به چشم می‌خورند مانند چاخان (۳۵-۳۳). همچنین به وجود واژه‌هایی با ریشه عربی در فهرست واژگان زبان گیلکی اشاره شده است. مثلاً در زمینه مذهب، فرهنگ، تعلیم و تربیت، علم، اخلاقیات، قانون، اقتصاد و سیاست. مانند واژه‌های دین، افطار، ادعا و غیره (۳۵ و ۳۶). و ام‌واژه‌های ترکی نیز در واژه‌های گیلکی جایگاه معینی را به خود اختصاص داده‌اند. مانند بشقاب، یورش و غیره. دیگر آنکه واژه‌هایی مانند آپارتمان، دکتر، آدرس از اروپای غربی وارد فرانسه سپس وارد گیلکی شده‌اند. و ام‌واژه‌های روسی مانند درشکه، بشکه نیز وجود دارند. اطلاعات حاشیه‌ای دیگری نیز آورده شده است. مثلاً یکی از ویژگی‌های زبان گیلکی حضور فراوان افعال پیشوندی در آن است، به طوری که از یک فعل بسیط ممکن است چند فعل پیشوندی استخراج شود (۳۷). دیگر آن که گاهی افعال بسیط در گیلکی با افعال مرکب در فارسی بیان می‌شوند. مانند /fuškofɬən/ به معنای گیر کردن (در گلو). واژه‌های مکرر (ساخته شده از طریق فرایند تکرار) نیز در گیلکی دیده می‌شوند مانند تَلُو تَلُو (تلوتلو خوردن)، آزا آزا (آرام). همچنین در گیلکی می‌توان شاهد اصطلاحات در معنای کنایی بود (۳۷ و ۳۸). این فصل در ۱۷ صفحه با این مبحث به پایان رسیده است.

در فصل ۴، با عنوان ساختواژه (در ۷ صفحه)، به دو فرایند ترکیب به ستاک<sup>۱</sup> و وندافزایی در گیلکی پرداخته شده است. در ترکیب به ستاک می‌توان دو فرایند را از هم تفکیک کرد: ترکیب ربطی/همپایه<sup>۲</sup> و تعیینی<sup>۳</sup>: در کلمات مرکب ربطی وزن واژه‌های سازنده ترکیب برابر است. مانند ترکیب اسم، صفت، قید (پسایس: عقب، پشت، رج به رج، دست‌دستی، زیرزیرکی، هول‌هولکی)، ترکیب اسم با صفت (خوردوخمیر)، ترکیب دو ستاک فعلی (کشمکش، پخت‌وپز،

---

1. stem-composition  
2. copulative  
3. determinative

## زبان گیلکی

بزن بکوب؛ اتباع (چیزومیز، رخت و پخت)؛ نام آواها (جرنگ جرنگ، گیل گیلی (خوردن)، قیل (خوردن)) (۳۹-۴۱).

در کلمات مرکبِ تعیینی یک جزء به جزء دیگر وابسته است. در این روش با چند حالت سروکار داریم: ترکیب دو اسم یا اسم و صفت (کارخانه، پاک‌دل، سبیل‌دراز، شکم‌کلفت، چاق)، عدد با یک اسم / صفت / ندرتاً قید (دوپهلو) اسم و ستاکِ حالِ فعل (خاطرخوا(ه)، پرچین، زحمتکش)، اسم و ستاکِ گذشته فعل (سرگذشت)، اسم با صفت مفعولی (پدرسوخته). در وندافزایی به پسوندها و پیشوندها اشاره شده است:

شانزده پسوند در گیلکی با مثال، گاهی معنا و میزان زایایی ذکر شده است. برخی از این پسوندها عبارتند از: -ی، -ک، -چه، -دان، -چی، -گر، -گار، -ش و مانند آن (۴۳-۴۵). نکته‌ای که می‌توان گفت این است که بیشتر این پسوندها در فارسی معیار نیز وجود دارند. برخی تلفظ یا معنای متفاوت پیدا کرده‌اند و برخی نیز کاملاً متفاوتند (0-، -u، -ay و ...). چهار پیشوند نیز مطرح شده‌اند، که همگی در فارسی معیار وجود دارند (با-، بی-، نا-، هم-). اما مؤلف اشاره‌ای به این شباهت نکرده است. لازم به ذکر است که «هم-» پیشوند فرض شده است.

فصل پنجم به موضوع «صرف» اختصاص دارد و در ۱۳۷ صفحه ارائه شده است. در این فصل، که طولانی‌ترین فصل کتاب است، به تک‌تک مقوله‌های دستوری (در هفت مقوله) پرداخته شده است: الف) اسم: در این مقوله به عنوان‌هایی مانند نکره و معرفه‌بودن، شمار، حالت، ساخت اضافه، اشاره شده است.

ب) صفت: در گیلکی مقوله معرفگی / نکره‌گی، شمار و حالت برای صفت مطرح نیست و گاهی بدون هیچ پسوندی به موصوف افزوده می‌شود. گاهی نیز پی‌بست ɔ - بین آنها ظاهر می‌شود (۶۸). در حالی که اشمیت (۱۳۸۳: ۵۰۱) معتقد است صفت نه‌تنها پیش از اسم می‌آید بلکه پایانه ɔ - نیز می‌گیرد.

ج) قید: قید در گیلکی گروه مستقل دستوری ندارد و غیرتصریفی است. ولی می‌تواند به مکان یا زمان دلالت کند (راستار گویوا، ۲۰۱۲: ۷۳).

د) عدد: اعداد ترتیبی در گیلکی شبیه فارسی هستند بجز عدد یک که در گیلکی معادل i است (۷۶). در اعداد ترکیبی بین دو عدد، دو نشانه u- یا ɔ - ممکن است به کار روند، گاهی نیز بدون نشانه، دو عدد کنار هم به کار می‌روند (۷۷).

ه) ضمیر: هفت نوع ضمیر در گیلکی معرفی شده‌اند: ضمائر شخصی، که مقوله دستوری و شمار ندارند (۸۳) و در حالت‌های مفعولی، اضافی، مفعول غیرمستقیم و پی‌بست‌های ضمیری (əm, -ət, -əš, -əman, -ətan, -əšan) به کار می‌روند (۹۰)، ضمائر اشاره که بر اساس دوری و نزدیکی برای سه حالت فاعلی، مفعولی و اضافی در دو شمار مفرد و جمع، ۲۴ ضمیر دارند (۹۱)، ضمائر پرسشی- موصولی (۹۷)، ضمائر وصفی (مانند هر، همه، تمام، دیگر) (۱۰۳-۱۰۱)، ضمیر نکره منفی (تنها واژه هیچ برای این نوع ضمیر پیدا شده است (۱۰۳))، ضمائر قیدی (۱۱۳) و ضمائر عددی (۱۱۶).

و) فعل<sup>۱</sup>: در این بخش به ستاک‌های افعال اصلی (ستاک حال و گذشته) اشاره شده است. البته هیچ توضیح مجزایی برای ستاک حال ارائه نشده بجز کاربرد آن و نقاط اشتراک با ستاک گذشته، همچنین سه نوع پایانه شخصی برای زمان‌های حال-آینده، گذشته مطلق (ساده)، گذشته استمراری معرفی شده‌اند. تمام شناسه‌ها در این سه زمان یکی هستند، تنها در سوم شخص مفرد متفاوتند. در بخش بعدی چهار نوع پیشوند فعلی مطرح شده‌اند و هر یک بر اساس تفاوت‌های معنایی به زیرطبقه‌هایی تقسیم شده است. سپس ادات نفی در سه صورت (nə- /ni-/nu- /an- است و گاهی افعال بدون هیچ پسوندی معنای سببی دارند) و نیز افعال مرکب معرفی شده‌اند. در گیلکی تعداد افعال بسیط و پیشوندی کم است. این کمبود با افعال مرکب جبران شده است. افعال مرکب به سه صورت دیده می‌شوند: اسم/ صفت/ گروه حرف اضافه + فعل (۱۳۱-۱۲۷). از مقولات دیگری که در این فصل به آنها پرداخته شده است می‌توان افعال وجهی، افعال ناقص ایستا<sup>۲</sup> (وجود داشتن در دو زمان حال و گذشته و در اشخاص مختلف)، افعال ناخودایستا (۱۳۴) و افعال خودایستا را نام برد.

در افعال خودایستا به چهار وجه امری، خبری، التزامی و مجهول اشاره شده است. در وجه امری، امر دوم شخص مفرد و جمع در حالت مثبت و منفی ارائه شده است. وجه خبری به هفت زمان تفکیک شده و در حالت‌های ساده و پیشوندی به صورت مثبت و منفی صرف شده است. زمان‌ها عبارتند از: ۱. زمان حال-آینده با فرمول ستاک حال + شناسه شخصی، ۲. زمان

۱. نکته جالبی که در این عنوان مشاهده شد این بود که برخلاف عناوین دیگر دستوری در این فصل، فعل مفرد به کار رفته، همچنین با حرف تعریف (the verb) همراه شده است. شاید نویسندگان اثر حاضر قصد نشان دادن تأکید خاصی بر فعل را در برابر بقیه مقولات دستوری داشته‌اند.

2. the defective verbs of state



## زبان گیلکی

حال معین: مصدر + صرف فعل بودن، ۳. زمان آینده مطلق: فعل کمکی خواستن در زمان حال - آینده + مصدر، ۴. زمان گذشته خنثی با فرمول پیشوند -ba-/ bi-/bu- به همراه ستاک گذشته + شناسه شخصی، ۵. گذشته استمراری: ستاک گذشته + شناسه، ۶. زمان گذشته معین که به دو صورت ساخته می‌شود: الف) مصدر + صورت گذشته خنثی از فعل کمکی بودن مانند kudəndubum (ب) مصدر + صورت گذشته ناقص از فعل کمکی بودن مانند kudəndərə bum. ۷. زمان ماضی بعید یا گذشته کامل: گذشته کامل فعل + گذشته فعل بودن (۱۵۶).

به نظر می‌رسد درباره طبقه‌بندی زمان‌ها نظرات متفاوتی وجود دارد. به‌عنوان مثال کریستن سن (۱۳۷۴: ۵۴-۵۰) انواع ماضی را مطلق، استمراری، بعید، استمراری توصیفی (vanəpārsənde búm) (در پرسیدن نبودم) و انواع مضارع را اخباری، التزامی، توصیفی (vapārsən darəem) (دارم می‌پرسم) در نظر می‌گیرد. همان‌طور که دیدیم در گویش‌های گیلکی (و مازندرانی) ماضی نقلی وجود ندارد (کلباسی، ۱۳۷۶: شانزده).

در وجه التزامی به ذکر نمونه‌هایی در دو بند آزاد/ مستقل و پیرو پرداخته شده است. همچنین دو زمان بررسی شده‌اند: زمان حال - آینده (مطلق) با فرمول پیشوند -ba-/ bi-/bu- به همراه ستاک حال + شناسه شخصی، دیگری زمان گذشته التزامی: اسم مفعول + فعل کمکی بودن به صورت استمراری. در وجه مجهول اشاره به کم‌کاربرد بودن آن کرده و ساخت آن را این گونه بیان کرده است: فعل به صورت اسم مفعول + فعل بودن (۱۶۸). در این بخش از افعال لازم و متعددی صحبتی نشده اما اشمیت (۱۳۸۳: ۵۰۲) معتقد است که بین صرف افعال لازم و متعددی تفاوتی وجود ندارد.

ز) پس‌اضافه‌ها و پیش‌اضافه‌ها: تعداد پس‌اضافه‌های زبان گیلکی از پیش‌اضافه‌ها بیشتر و بسامدشان بالاتر است (۱۶۹). در این کتاب ۲۵ پس‌اضافه تعیین شده است در حالی که برخی به وجود ۲۲ حرف اضافه پسین برای گیلکی قایلند (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۱۰۱-۹۸). برای تک‌تک آنها معنا ارائه شده است. معانی برخی از آنها عبارت است از: زیر، رو، بالا، پایین، دنبال، پشت، جلو، سر، بین/ میان، طرف و ... . پیش‌اضافه‌ها همگی در فارسی معیار وجود دارند و به دو دسته تقسیم شده‌اند: اصلی، که شش تا هستند. مانند از، با، به، بی، در، تا و ثانوی که شمار آنها به ده می‌رسد و اسمی هستند و ترکیبی مانند مثل، زیر، بعد از، از وسط و ... (راستارگوپوا، ۲۰۱۲: ۱۷۷). نکته جالب توجه این‌که در کتاب حاضر حرف اضافه «از» در گیلکی و فارسی معیار یکی در نظر گرفته شده است، در حالی که در پژوهش‌های دیگر معادل

گیلکی آن /jæ/ تعیین شده است (کریستن‌سن، ۱۳۷۴: ۹۷). عنوان دیگری در این بخش به چشم می‌خورد به نام: ساخت‌های پیش‌اضافه‌ای - پس‌اضافه‌ای: ویژگی این ساخت‌ها کاربرد همزمان پیش‌اضافه و پس‌اضافه کنار اسم است. چهار ساخت نام برده شده‌اند، که عبارتند از: به...درون، تا...میان، از...جا، جا...جا (۱۸۳).

فصل ششم در ۳۳ صفحه به مبحث نحو اختصاص دارد. در این فصل چهار موضوع اصلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که عبارتند از: ۱. روش‌های بیان روابط نحوی. این روش‌ها عبارتند از: الف) تطابق/مطابقت: که رابطه بین فاعل و محمول<sup>۱</sup> را دربر می‌گیرد و به دو نوع تقسیم می‌شود: مطابقت کامل (در شخص و شمار) و مطابقت ناقص: تنها در شخص مطرح است و در سوم شخص دیده می‌شود. در این گونه نیز با دو صورت سروکار داریم: یکی حالتی که فاعل مفرد و محمول جمع است و دیگری برعکس، به عبارت دیگر فاعل جمع و محمول مفرد است (۱۸۶). ب) کنارهم‌نشینی/همجواری<sup>۲</sup>: در این روش سه حالت مطرح می‌شوند: یکی همجواری بین مفعول مستقیم با محمول، دیگری همجواری برخی واژه‌های قیدی با محمول و کنارهم‌نشینی صفت/ویژگی با اسم. مانند صفات ملکی، ضمائر، اعداد، صفات اشاره در کنار اسم. ج) حاکمیت<sup>۳</sup>: دو روش مطرح شده است: ۱. فعلی که طی آن محمول با مفعول مستقیم غیر مستقیم یا قیود ارتباط پیدا می‌کند. ۲. پیش/پس‌اضافه‌ای که در آن رابطه بین حروف اضافه با اسم مهم است (۱۸۹).

۲. جمله ساده: جمله ساده همیشه با یک محمول همراه است (۱۹۳).

۳. جمله پیچیده: این جملات را می‌توان در دو حالت بندهای همپایه و جملات مرکب مشاهده کرد. در جملات مرکب می‌توان به هفت نوع بندهای مفعولی، صفتی، زمانی، شرطی، مقصود/هدف، سببی و تصدیقی<sup>۴</sup> قائل شد (۲۱۸-۲۰۹). ۴. نقل قول مستقیم.

پیوست الف) متون: تعداد صفحات در این بخش به ۷۷ رسیده و در آن ۲۰ متن با موضوعات متفاوت ارائه شده است. برخی از این موضوعات عبارتند از: سلام و احوال‌پرسی، خواهرزاده، تولد، کناردریا، مسافر، گفتگوی دوستان، استخر، چه کسی؟، گفتگو، دروغگو، در قایق، اختیار دارید!، شکایت، لطفاً یک دقیقه!، دعای بچه، دزد و قاضی، حکایت (داستان)، فقیر.

1. predicate

2. juxtaposition (جزوه‌های کلاسی) را به کار برده‌است

3. government

4. concessive

## زبان گیلکی

تعداد جملات متون متفاوت است. کمترین آنها با عنوان دعای بچه، یک جمله، و بیشترین آنها با عنوان فقیر، ۴۲۶ جمله دارد. ویژگی بارز ارائه متون این است که زیر هر عنوان، تک تک جمله‌ها با شماره جدا شده‌اند و زیر هر شماره ابتدا آوانوشتۀ جمله به گیلکی آورده شده است، سپس زیر آن معنای جمله به انگلیسی. جمله‌ها از کوچک‌ترین اندازه، که به شکل شبه‌جمله است، تا جمله پیچیده چندبندی دیده می‌شوند.

در بخش بعدی (مجموعاً ۱۴۷ صفحه)، که می‌توان آن را پیوست ب) نامید، همان بیست متن به همراه مجموعه‌ای از اطلاعات صرفی - نحوی ارائه شده‌اند. جایگاه جداگانه‌ای - بین آوانوشته و معنا - به این اطلاعات اختصاص داده شده است. مجموع این اطلاعات به ۴۵ نوع می‌رسد مانند: حالت مفعولی، صفت‌ساز، قیدساز، فعل کمکی، متمم‌نما، سببی‌ساز، معرفه، نکره، مصدر، جمع، مفرد، منفی، واژه‌بست ضمیری، مالک، مملوک، گذشته، حال، آینده، اضافه، تأکید، درجه تفضیلی، درجه عالی، مرز وند، مرز واژه‌بست، اول / دوم / سوم شخص، پیشوند فعلی و غیره. برای بیان این اطلاعات از شکل اختصاری استفاده شده است. نکته جالب این‌که برای اصطلاح «اضافه» در انگلیسی از همین واژه استفاده شده است (ezafe با نشانه اختصاری EZ). مانند برخی کتاب‌های دستور.

در آخرین بخش کتاب، کتابنامه آورده شده است. منابع، در آخرین صفحه کتاب آمده است (۴۴۵). هیچ‌یک از این منابع فارسی نیستند بلکه فرانسه، انگلیسی یا روسی هستند. برخی از منابع درباره فارسی است اما نه به فارسی. جالب اینکه در فرایند تألیف کتاب از هیچ کتابی به زبان و خط فارسی کمک گرفته نشده است، این در حالی است که در گروه مؤلفان، یک فرد ایرانی (ممدزاده) نیز حضور داشته است.

کتاب حاضر علیرغم وجود عدم یکدستی در میزان اطلاعاتی که در بخش‌های مختلف، اعم از نکته‌های دستوری یا تعداد و تنوع واژه‌ها ارائه می‌دهد، به لحاظ اطلاعات متنوع و زیادی که در اختیار خواننده قرار می‌دهد کاری کامل و بسیار ارزنده است و به طور یقین برای کسانی که در حوزه‌های گویشی و دستوری در حال پژوهش هستند مناسب و پرفایده است. در مورد عدم یکدستی می‌توان نمونه‌هایی را بیان کرد. مثلاً در برخی بخش‌ها هیچ توضیح یا طبقه‌بندی دستوری ارائه نشده است (مثلاً درباره ستاک حال در بخش فعل فصل پنجم) درحالی‌که در بخش‌هایی ضرورت ارائه چنین توضیحاتی برای نویسندگان کتاب حس می‌شده است (مانند

فصل چهارم و طبقه‌بندی و توصیف انواع فرایندهای ساختواژه). همین نایکدستی در ارائه تعداد واژه‌ها در بخش‌های مختلف نیز دیده می‌شود.

### مرضیه صناعتی<sup>۱</sup>

پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

### منابع

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۵۰). "زبان گیلکی (معرفی کتاب Gilyanskij Yazyk از چند مؤلف روسی، زیر نظر و. س. راستارگویوا، مسکو: ۱۹۷۱)". سخن. دوره بیست‌ویکم، شماره ۶، ۶۷۴-۶۷۱.

آرانسکی، ای. م (۱۳۵۸). مقدمه فقه اللغة ایرانی. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات پیام. اشمیت، رودیگر (۱۳۸۳). راهنمای زبان‌های ایرانی. ج. ۲. زبان‌های ایرانی نو. ترجمه آرمان بختیاری و دیگران. تهران: ققنوس.

دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۷). "زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی". مجله ادب پژوهی. شماره پنجم، ۱۲۸-۹۱.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۹). نگاهی به گویش‌نامه‌های ایرانی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

عسگری، لیلا (۱۳۸۳). "ورا سرگیونا راستارگویوا". مجله نامه ایران باستان. سال چهارم، ش. ۲، ۵-۳.

کریستن‌سن، آرتور (۱۳۷۴). گویش گیلکی رشت. ترجمه جعفر خمّامی‌زاده. تهران: سروش. کلباسی، ایران (۱۳۷۶). گویش کلاردشت (رودبارک). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

---

1. msanaati20@gmail.com